

# تعلیم و تربیت دینی و رویکردهای جدید

اشاره

قسمت سوم و پایانی میزگرد تعلیم و تربیت دینی تقدیم خوانندگان محترم می شود. رویکردهای جدید و موانع و مشکلات پیشرو و نقاط قوت و ضعف محور گفت و گوهای این میزگرد است.

دو سال یک بار مطالب آموزش دیده خود را در سمینارها بازنگری می کند و با مطالب جدید آشنا می شود، دبیر ما هم نیاز دارد؛ آن هم دبیر دینی. ما باید از وقت دبیرانمان استفاده کنیم و دبیر دینی مازاد نداشته باشیم. او را موظف کنیم که کلاس برود و مطالعه داشته باشد.

شما می فرمایید، چشم انداز آینده کتاب جدید چگونه خواهد بود، اگر ما دبیر قوی داشته باشیم؟ در این صورت، دبیر می تواند بهترین برداشت را از کلاس داشته باشد.

دکتر اعتصامی: البته ما به مشکلات دبیران هم واقف هستیم. بسیاری از دانش آموزان مسائل اجتماعی را در سر کلاس بازگو می کنند. به خصوص در درس دینی، دانش آموزان فکر می کنند دبیران دینی پاسخگوی تمامی این سوالات هستند. کار دبیر دینی بسیار مشکل است. روی سخن شما با کسانی است که دبیر دینی نیستند و درس دینی و قرآن را گرفته اند. در دوره

خانم تهرانی: مسأله دیگر تخصص همکاران و مدرک تحصیلی آن ها است. مدرک تحصیلی بعضی از همکاران ما با تدریس دینی مرتبط است، ولی تخصص کافی ندارند. آنچه به آن ها سپرده شده، در هفته ۱۲ تا ۱۰ ساعت تدریس است و بقیه هفته کار اداری یا تربیتی دارند. خیلی هم مسلط نیستند و احساس نیاز هم نمی کنند که برای مقدار کمی تدریس، به کلاس بروند و تخصص پیدا کنند.

دکتر اعتصامی: یعنی دبیرانی هستند که تدریس دینی تنها وظیفه آن ها نیست؟

خانم تهرانی: نه خیر، دبیران تربیتی ما مقداری تدریس دارند، آن هم در طول هفته و در ساعاتی پراکنده. پس بیاییم کار تدریس خودمان را تخصصی کنیم. یعنی اگر معلم موظف است که به کلاس برود، همان طور هم موظف است آموزش ببیند و موظف است که آموزش خود را پس بدهد. چه طور پزشک هر

آموزشی هم شرکت نمی کنند و خودشان را بی نیاز از دوره می دانند.

ما یک سؤال دیگر هم مطرح کرده بودیم و آن چشم اندازها و امیدهایی است که این کتاب می تواند، برای آینده در تعلیم و تربیت دینی برای ما ایجاد کند. خوب است در این بخش هم نظرات همکاران را بشنویم. بحث اول بسیار خوب و جدی بود و حالا در این قسمت بحث را ادامه می دهیم.

**حجت الاسلام دهندهست:** من بدون این که بخواهم در یک جمله بر همه کتاب مهر تأیید بزنم و بگویم که بهتر از این نمی شد، برداشت خودم را از آن عرض می کنم و در مورد کتاب راهنمای معلم هم یک تذکر و یک انتقاد دارم.

نکته اول در مورد کاری است که این کتاب می تواند در مدرسه ها انجام دهد. من فکر می کنم، این کتاب تا اندازه ای موفق شده است بعد عرفانی، اخلاقی و ادبی را تقویت کند؛ یعنی نسبت به آن بعد اخلاقی و ادبی که قبلاً آن کتاب داشته، کتاب جدید این بعد را تقویت کرده است. این از یک دیدگاه، یعنی از دیدگاه همکارانی که فکر می کنند، کتاب دینی باید خیلی اخلاقی باشد، قابل توجه است. مثلاً آن ها می گویند، بعد اخلاقی می تواند، مشکلات فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه و نگرانی هایی را که برای آینده جوانان ما وجود دارد، تا حدی برطرف کند و از این نظر مفید باشد. این نکته اول.

نکته دوم این است که احساس می کنم، در کتاب جدید مثال های کاربردی برای دانش آموز تقویت شده اند. قبلاً به این نکته خیلی کم توجه شده بود. مثال هایی که در حین درس ها زده می شود، جدول احکام، نامه نگاری و به خصوص، مثال های

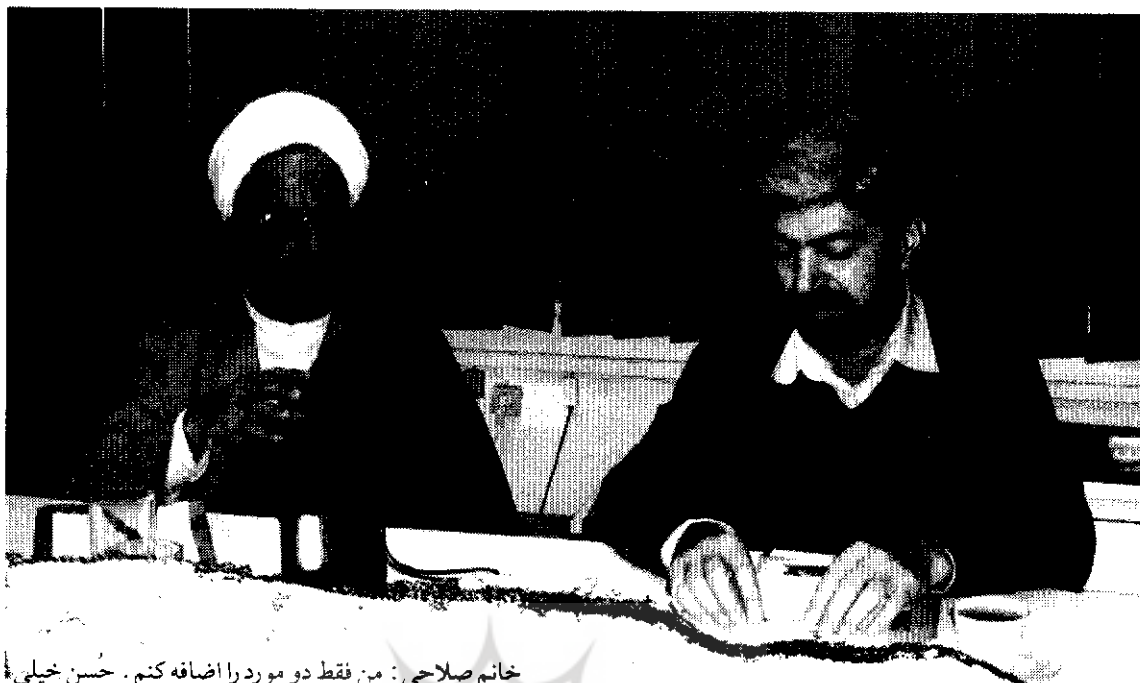
زیاد اواخر کتاب، برای بچه ها خیلی کاربردی هستند و بچه ها را وادار می کنند که بگویند مطلب خوب بود و می خواستیم بدانیم. یک سؤال هم در کنار آن اضافه کرده اند؛ یعنی نوعی زایش سؤال های کاربردی در این کتاب هست.

نکته سوم که برای من خیلی مهم است، تقویت بعد اعتماد به نفس دانش آموز است. به این معنا که در کتاب به طور غیرمستقیم می خواهیم به دانش آموز بگویم که ما می دانیم، تو معتقد هستی. ما نیامده ایم برای تو خدا را ثابت کنیم، آمده ایم به تو بگویم، قبول داریم که تو معتقدی. این، بعد اعتماد به نفس جوانان را خیلی تقویت می کند. یک زمان است که شما به جوانی می گویند، بیا برای تو، خدا و دین را ثابت کنم. ولی زمانی دیگر می گویند، من می دانم که شما به دین علاقه دارید و معتقدید. حالا اگر سؤالی هست، بیایید با هم بحث کنیم.

این خیلی زیباتر است. طرف مقابل احساس می کند که در نهاد من چنین اعتقادی وجود دارد. حالا در کلاس، دبیر دینی مدام با این دید به من نگاه می کند که تو آدم معتقدی هستی و ذات تو سالم است. تو به خدا و پیامبران اعتقاد داری. بنابراین، من آمده ام با هم بحث کنیم و کمی مطلب را باز کنیم. این تقویت بعد اعتماد به نفس است.

نکته چهارم تقویت حس تفکر روی مطالب درسی در بچه هاست. این تقویت تفکر دانش آموز است؛ یعنی مهلت دادن به دانش آموز برای پاسخ دادن به این سؤال ها: تو از این مطلب چه می فهمی؟ از این جدول چه برداشتی داری؟ آیا به غیر از این جدول، می توانی جدولی دیگر طراحی کنی؟





خانم صلاحی: من فقط دو مورد را اضافه کنم. حسن خیلی مشخصی که در کتاب به چشم می خورد و به هر حال، چشم انداز وسیعی را که امیدوارکننده هم هست، به ما نشان می دهد، پیوند زدن توانایی های علمی، تحقیقی و پژوهشی، و خلاقیت ها و ابتکارهای بچه ها، با باورهای دینی آن هاست. اگر دانش آموزی خط خوشی دارد، از این استعدادش در کلاس استفاده می کند و یاد می گیرد که اگر خواست خوشنویسی کند، برود سراغ جمله، حدیث، پیام یا نکته ای که قشنگ باشد و مفهوم معنوی داشته باشد. اگر بلند است طراحی کند، این طراحی را در مورد یک حدیث یا آیه انجام دهد. اگر دوست دارد کار پژوهشی انجام دهد، برود سراغ قرآن، آیات را موضوعی کار کند و جوانب دیگر که در قسمت پیشنهادات به آن پرداخته شده و از جذاب ترین قسمت های کتاب برای دانش آموزان است.

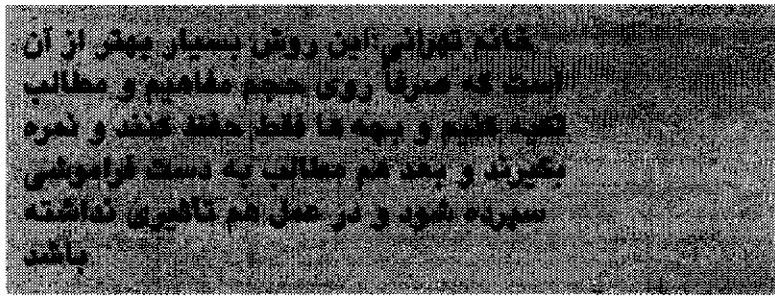
نکته دوم این است که کتاب می کوشد، یک انسان متعادل بسازد. یعنی ضمن این که در کتاب از عبادت، عرفان، فلسفه و مسائل احکام و کلام بحث شده است، اما هیچ کدام بر دیگری غلبه ندارد. دانش آموزی که کتاب به او تدریس می شود، ضمن این که عابد صرف نمی شود، ولی اهل عبادت می شود. ضمن این که عارف خالص نمی شود، ولی اهل عرفان می شود. ضمن این که یک متکلم فیلسوف نمی شود، ولی از کلام بهره می گیرد. این ها از نکات بسیار روشن و بارز کتاب است.

خانم تهرانی: با توجه به نظرات دانش آموزان، برای من جا افتاده است که کتاب جای خودش را بین بچه ها باز کرده و آن

این تقویت بعد زایش فکری است؛ نوعی خلاقیت فکری. و بالاخره نکته پنجم مربوط به تنوع ادبی کتاب است که من می خواهم در مورد آن انتقادی را عرض کنم. به نظر من در کتاب راهنمای معلم راهنمایی خوبی برای شعرهای کتاب درسی به همکاران ما نشده است. یعنی ما می دانیم که این شعرها چه قدر زیبا هستند و من خودم چون به شعر علاقه دارم، هنگام جلسه با همکارانم، مدام روی این شعرها بحث می کنم که مثلاً ببینید چه قدر جالب است که حدود ۳۳ صفت را در ۱۳ بیت آورده است.

**حجت الاسلام دهداست: من فکر می کنم، این کتاب تا اندازه ای موفق شده است بعد عرفانی، اخلاقی و ادبی را تقویت کند؛ یعنی نسبت به آن بعد اخلاقی و ادبی که قبلاً آن کتاب داشته، کتاب جدید این بعد را تقویت کرده است**

اما علاقه به شعر، علاقه ای شخصی است و همه همکاران ما چنین علاقه ای ندارند. همه همکاران نمی توانند از شعرها برداشت های معنایی داشته باشند. در این باره باید فکری شود و راهنمای معلم باید مطالبی برای آشنایی هرچه بیش تر همکاران با شعر داشته باشد.



مراحل بالاتر، گویی هیچ یک از این موارد انجام نشده است. چه قدر خوب است که شیوه های آموزشی را نیز جدید کنیم. الان دیده می شود که کتاب را به صورت سؤالات تستی درآورده اند که این زنگ خطر است برای بازگشت به روش های قبلی.

**حجت الاسلام دهدست:** بنده دو سه پیشنهاد عرض می کنم. اول راجع به مؤلفان: در بعد تدریس این کتاب خوب است که مؤلفان خودشان بروند، هفته ای ۲-۱ جلسه درس بدهند و برسند به این که آیا چنین کتابی قابل تدریس است یا خیر. یعنی خود مؤلف مدرس باشد و خودش، یقینی و نه علمی، برسد به این که کتاب قابل تدریس است. بعد هم به طور اتفاقی محل ها و مناطقی را انتخاب کنند و کتاب را درس بدهند و نتیجه را ببینند. چون بعضی ها می گویند، این حرف های شما برای مناطق و محله های خاصی است. شما بیایید به فلان محله و ببینید، آیا می توانید این کتاب را سر کلاس تدریس کنید؟ در هر صورت، ورود به عرصه تدریس برای معلم مهم است.

دومین نکته این است که ما گلایه می کنیم، چرا همکاران در دوره های توجیهی شرکت نمی کنند. از خودمان نمی پرسیم که مشکل کار کجاست. اگر ما امتیازی قائل باشیم و شرکت در این دوره ها جزو کار رسمی باشد، آیا این کار تسهیل نمی شود؟ بهتر است شرکت در دوره های توجیهی کتاب جدید جزو کار آن ها تلقی شود. برای این دوره ها کارمزدی بگیرند و شرکت در دوره امتیازی برای آن ها محسوب شود. مثلاً ما بگوییم معلم بیاید و در تابستان یک دوره ۴۰ ساعته ببیند. معلم می گوید آقا من تابستان موظف نیستم که بیایم. اگر او از بعد اخلاقی وقت می گذارد، ما هم ارزش بگذاریم و بعد قانونی به آن بدهیم.

سوم این که ما از همکاران خودمان بخواهیم در مسابقه ارزشیابی این درس شرکت کنند و بیایم عده ای را برای شیوه ارزشیابی این درس انتخاب کنیم، نظرات آن ها را بگیریم و بهترین ها را انتخاب کنیم. مثلاً برای نمونه، خود من در یک کارگاه عملی، یک ارزشیابی شفاهی یک ساعته از این درس برگزار کردم؛ ارزشیابی از مفاهیم. ما بیایم شیوه های گوناگون ارزشیابی را جمع آوری کنیم و به همه انتقال دهیم.

**خانم تهرانی:** کار ارزشیابی، کار هر معلمی است که می خواهد درس جدیدی را آغاز کند. او ابتدا یادگیری مطالب قبلی را بررسی می کند. ولی در بحث ارزشیابی مستمر و پایانی هر ترم، ما آمدیم و از مناطق نظرخواهی کردیم و کار خوبی هم بود. از جمع نظرات هم یک جدول کامل تدوین کردیم و به مسئولان هم

را پذیرفته اند؛ به خصوص حتی شکل ظاهری آن، نسبت به کتاب قبل، بچه ها را مشتاق کرده است که با آن رابطه بگیرند و از آن استفاده کنند. با همکاران هم که در این باره صحبت داشتیم، همه معتقدند که کتاب توانسته است، در میان بچه ها جای خودش را باز کند. حالا ظاهراً کتاب دوم هم همان شیوه کتاب اول را دارد. ان شاء الله در سال های آتی، دانش آموزانی که با این شیوه تعلیم دیده اند، در دوره پیش دانشگاهی به یک نسل روشن و آگاه تبدیل می شوند. این روش بسیار بهتر از آن است که صرفاً روی حجم مفاهیم و مطالب تکیه کنیم و بچه ها فقط حفظ کنند و نمره بگیرند و بعد هم مطالب به دست فراموشی سپرده شود و در عمل هم تأثیری نداشته باشد.

امیدواریم با این شکل کار بچه ها تا آخر عمر از کتاب دینی و کلاس دینی خاطره خوشی داشته باشند و همین توشه ای باشد ان شاء الله برای تداوم مسیری که خواست خدا و پیامبران و همه کسانی است که در این مسیر قدم گذاشته اند.

**حجت الاسلام دهدست:** من معتقدم که نباید توقع زیاد داشته باشیم، نسبت به این که در دوره پیش دانشگاهی، منتظر چنین نسلی باشیم. چون همه ابعاد کار کتاب نیست. باید ببینیم که معلمان، دانش آموزان و جامعه با این کتاب چه برخوردی می کند. اگر تمامی ابعاد کامل شد، ما می توانیم چنین انتظاری داشته باشیم که در دوره پیش دانشگاهی افرادی آگاه و... تحویل جامعه بدهیم.

**دکتر اعتصامی:** در پایان از همکاران می خواهم، اگر پیشنهادی برای بهبود کتاب و برنامه دارند، بفرمایند؛ چه برای برنامه ریزان، چه برای مؤلفان، دبیران و مسئولان در اداره ها؛ باشد که باعث بهبود کتاب جدید در آموزش دینی شود. **خانم صلاحی:** چون خواهر ما از نمره صحبت کردند، باید عرض کنم، وقتی کتاب جدید می شود و قرار است کتاب با رویکرد جدید تألیف شود، ارزشیابی هم باید به صورت شیوه جدید باشد. اگر معلم شیوه ارزشیابی قبلی را انجام دهد، یا باز دانش آموز بخواهد مطلبی را حفظ کند، برای قبولی و رفتن به



مداوم داشته باشند تا بدانند، جریان این کتاب و تدریس آن به کجا انجامیده است.

از طرف دیگر، دبیری که کتاب دین و زندگی را تدریس می‌کند، به شدت با کمبود وقت در خارج کلاس روبه‌روست. او باید دفترهای بچه‌ها را بررسی کند. مثل درس ریاضی و فیزیک نیست که هر سؤال یک جواب داشته باشد. در این سؤالات، بچه‌ها باید جواب خودشان را بدهند که این جواب‌ها باید بررسی شوند. پیشنهادها را باید بخواند، بررسی کند و نمره بدهد. اگر بشود به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که دبیر در کنار تدریس دین و زندگی، دو ساعت مطالعه و تحقیق داشته باشد و دبیر زمان آزادی داشته باشد که به کارهای حاشیه‌ای کلاس دین و زندگی بپردازد، بسیار خوب خواهد بود و وضعیت انجام تحقیق‌ها و وضعیت سامان‌تری پیدا می‌کند.

**حجت‌الاسلام دهدست:** آیا فکر می‌کنید بستر انجام این کار در جامعه آماده است؟ اگر مثلاً فردا اعلام کنید که دو ساعت را اختصاص می‌دهید، برای این کارها، آیا این دو ساعت کافی است؟ و از آن استفاده کامل و خوب می‌شود؟

خیر. طبیعی است، سال‌های اول نه. ولی اولاً این طرح عمومی و برای همه دبیران نیست و فقط مخصوص دبیرانی است که دین و زندگی (۱) را تدریس می‌کنند.

**خاتم‌صلاحی:** ما بعد از ۲۰ سال شاهد تغییر کتاب بودیم. آن هم با مشکلات خاص خودش که باعث شد تدوین کتاب دین و زندگی (۱) سال‌ها به طول انجامد.

خاتم‌تهرانی: اگر امکان داشته باشد، بهتر است به صورت قانونی اقدام شود و به دبیرانی که دوره آموزشی ندیده‌اند، حداقل ابلاغ تدریس دین و زندگی ۱ و ۲ و به تبع آن ۳، داده نشود. خود این عاملی می‌شود که به کلاس ضمن خدمت توجه شود. همان برنامه ۱۷۶ ساعت ضمن خدمت که معادل یک ماه حقوق محاسبه شد، موجب توجه به آموزش ضمن خدمت شد. حالا هم زمینه فراهم است. چرا ما از این زمینه استفاده نکنیم که شرط ابلاغ دبیران دینی، استفاده از آموزش ضمن خدمت است؟ این یک امتیاز مثبت است و باعث می‌شود، دبیران به دنبال کلاس بروند و خودشان را تقویت کنند.

● **دکتر اعتصامی:** از همکاری شما در این جلسه ممنون هستم. پیشنهادهای مفید و سنجیده‌ای مطرح شد. امیدواریم که همکاری به این صحبت‌ها عمل کنند و راه و چاره‌هایی برای بهبود وضع آموزش در جامعه پیدا کنند.

دادیم، ولی عملاً تأثیری نداشت. زیرا متأسفانه ارزشیابی به روش فعلی، سال‌هاست تدوین شده و هر ساله به آن عمل می‌شود و با وجود اعتراضات، هیچ تغییری در آن داده نمی‌شود. البته کتاب جدید هم که شیوه ارزشیابی بهتری دارد، برای معلم‌ها مشکلاتی را ایجاد می‌کند. سال قبل ما شیوه‌ای تدوین کردیم که هیچ توجهی به آن نشد.

**دکتر اعتصامی:** یعنی شیوه ارزشیابی تدوین شده بود؟

خاتم‌تهرانی: بله و قابل اجرا هم بود. دست دبیر باز بود و هر جلسه می‌توانست ارزشیابی کند؛ هم مستمر و هم پایانی. متأسفانه افتاد در خط این که سؤالات به همان شیوه قدیم طراحی شوند و... **خاتم‌صلاحی:** در اغلب کشورهای دنیا، کتاب درسی مدام در حال تغییر است. متأسفانه این حرکت در کشور ما بسیار کند است. ما بعد از ۲۰ سال شاهد تغییر کتاب بودیم، آن هم با مشکلات خاص خودش که باعث شد، تدوین کتاب دین و زندگی (۱) سال‌ها به طول انجامد.

اگر بخواهیم سال‌های تدریس آزمایشی را نیز در نظر بگیریم، رقم بالاتری می‌شود. پیشنهاد می‌کنم، حالا که امکان تغییر کتاب درسی نیست، حداقل کتاب راهنما هر دو سه سال یک‌بار عوض شود و با توجه به این که معلم باید اطلاعات نوتر و جدیدتری داشته باشد و نیاز دانش‌آموز به مطالب جدید و به‌روز تغییر می‌کند، این کتاب جدید دوباره بازنگری شود. به علاوه، مؤلفان با دبیران ارتباط